

اختصار

۱۲۹۲

مطبعه اداره خانه درخان والده دروازه
مخصوصه است

کتابی که برای درج کازت با اداره داده
شده و طبع نشود بصاحبش رد نخواهد شد

کتابی که اجرت پرست آن داده نشده
است از جانب اداره قبول نخواهد شد

میت سالیانه شش مجیدیه سفید
شش ماه چهار مجیدیه سفید
یک نسخه ۴۰ پاره رایج است
اجرت پرست سالیانه ده دانه و برای
خارج شش مجیدیه سفید افزوده خواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
طبع و نشر خواهد شد

این کازت از احداث کونگون و از سیاست و پوئیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع عمومی سخن خواهد گفت هر کس که موافق و مخالف باشد
از اهلانی که در ضمن احداث نوشته شود بر سطره فروش و از اهلانی که عادی بر سطره فروش اخذ خواهد شد

رقابت با ملتها

ملت در معنی لغوی طریقت مسلک و شاهراه و دین
و شریعتها را گویند و در تعبیر معمولی ملت که
گفته میشود یعنی اهل ملت است اگر گویند
ملت ملت هستیم یعنی یک طریقت و مسلک داریم
در یک شاهراه راه میرویم و از یک شریعت آب
مخوریم و در یک دین هستیم یعنی در یک
اسلوب و آداب و اخلاق که از گذشتگان و پدران
و اجداد ما مانده است ملت آنکه دین بقیه
از اطوار و کرم و شجاعت و اخلاق و ادب را گویند
که از یک طبقه طبقه دیگر منتقل شده باشد
حضرت پیغمبر صلوات الله علیه و آله در دین
نوم خود بودند

ملتها که در دنیا و اطراف جهان هستند هر کدامی
یک پدر منتهی میشوند که مؤسس آداب و اخلاق
و لسان و مانند آنها در میان اولاد خود شده است
که آنها اولاد در یک قطعه و یک ملکین میکنند
اند و بهر زمان اتفاق افتاده است که از آنها
هم شعبهها پیدا گردیده و بسا شده است که هم لغت
آنها تغییر یافته و هم در آداب و اخلاق و شرایع
و اطوار ایشان اختلاف پدید آمده است

از جمله چیزهایی که بحکمت خدای سبحان در نهاد
آدمی گذاشته شده است صفات رقابت است که
این رقابت هم بدو گونه تواند بود یکی این است که
به نیت نیک و مقصد نیک مبنی شود که این رقابت
در اشخاص و ملل باعث ترقی و ترتیب اسباب افتخار
و علو مراتب است مانند آنکه شخص رفیق
و هم جنس خود را و ملت دیگر را می بیند که از آنها
کارهای نیک و هنرهای نیکبای ظاهر شد و همه آنها را
آفرین گفتند و تمجید و تحسین نمودند و او هم تلاش
و سعی میکند که مانند آنها و بهتر از آنها آن کار را
و یا مثل آنکار و هنر را بعمل بیاورد

یکی هم این است که نیت شخص باقوی در رقابت
فاسد و مبنی بر پستی فطرت باشد مثل آنکه
کار نیک و اعمال خوب و هنرهای دیگر را دیده و رقابت
خود را در تحصیل آنها و بهتر از آنها صرف نکند
بل خیال خود را در بدخواهی مصروف داشته

و بهر قسمی زوال آن نیکی و هنر را نخواهد و بل چشم
پوشی و اغراض از آن نیکی و هنر نماید یا در نزد
جهال و نادانان بد کوئی از صاحب آن علم و هنر بکند
و یا آنکه همیشه در این خیال باشد که اسبابی اقلا
از خارج فرا هم گردد که صاحب آن هنر و مفاخر
و مکارم مضاعف و نابود بشود و این رفتارها را
برای خود مسلک ساخته و عزت خود را در ذات
دیگران بفهمد و مانند این اطوار که مبنی بر حسد
و رقابت ملعونه است

اکنون رقابت را اگر در افراد و اشخاص ملاحظه نمائیم
بزودی خواهیم دید که این قسم دوم رقابت حقیقه
بجز از پستی فطرت و نادانی مآخذی ندارد
و انسانی که حقیقه معنی انسانیت را فهمیده است
پیرامون این صفت بد و مخفوس نگردد و این پستی
و حقوق انسانی را در حق خود قبول نکند
بلکه اگر کار نیک و خیر و احسان را در یکی دید
از هر جنس و ملتی میخواهد باشد آنرا تحسین کرده
و حق او را بجا آورد و اگر خود مقتدر است مثل
آنها و بهتر از آنها عمل آورده و در جهان انسانیت یک
نیکی دیگری را میافزاید و سرمشق دیگران نیز می
شود و اگر مقتدر نیست و اسبابش را فراهم ندارد
اقلا آن نیکی را اعلان و اشاعه میکند که هم حق آن
صاحب هنر بجا آورده شود و هم مایه تشویق
و ترغیب دیگران باشد

از اینجا که گذشتیم این حکم را بعینه در حق ملتها
و اقوام و جوامع باید جاری کرد و نیکوکار نیک
باید گفت و بد را بد و خواه در افراد و اشخاص
باشد و خواه در طوائف و ملتها و باید دانست که
الحاد یعنی ملحدی و بدینی حقوق کسی را ندانند
است هر کس حق کسی و نیکی کسی را بیوشاند
و آنرا بخواهد در صورت باطل نماید ملحد بدین
است چنانکه میفرمایند حق اقل الحاد این است که
آدمی نوا را حاصه گوید یعنی تخم و حصه
خرما را سنگ ریزه نام نهد و نیز میفرمایند هر کس
شکر نکند مردم را خدا را شکر نکرده است
چه شکر کردن دانست حق است و ادای حق کردن
آنست اگر یک نفر نیکی صنعت خوب و کار نیکی
بکند باید آن کار را تحسین و تصدیق کرد و شکر
گذاری نمود و حکمت ضاله و کشفه مؤمن است
هر جا پیدا کرد آنرا اخذ نمایند

فرنگی یک واپور و قوت بخار از علم حکمت طبیعی
اختراع کرده و در جهان انسانیت و مدنییت این همه
آثار و اطوار و صنایع و هنرها را از آن تولید و منشعب
کرده اند کشتی واپوری ساخته شدند و فراراه
انداخته فابریکها و کارخانهها را برای تسهیل امور
زندگانی نوع بشر ترتیب دادند و مانند اینها تا
بجائی که زراعت و فلاحت را هم بواسطه بخار کردند
آباد کرده اند ؟ تکلیف ماشکرها را و اخذ
کردن این آثار حکمتی نیست ؟ شکر گذاری تنها
بلفظ است ؟ نیکی کار را بر بفعلیت باید کرد این
نیکیها و اسباب آبادی ملک و ملک را فضلا باید
در مالک خودمان جاری کنیم و شکر عملی را بجا
بیاوریم والا کفران نعمت کرده ایم بعلم آنکه
خدای را شکر کردن شکر بر وسائط نعمتها نمودن است
و شکر بر وسائط بقول تنها بکار نیاید

مخترع واپور و مخترعات آن و شعبههای بسیار که
از آن منشعب شده است از جهت شخص خود طرف
شکر ما نیست این اختراع فاعلی دارد که بآن
صنعت همراه است اگر شخص مخترع زنده
و یا مرده باشد هیچ مدخلیتی باین صنعت ندارد
آن یک طرف و منزه بود لکن اصل مخترع
بآن صنعت همراه است که اسم فاعل آن صنعت
است مانند بنا که باقی همراه آن است که او می
میرد و همیشه زنده است اگر خط میرا به بینیم
میرا دیده ایم اما نه شخص میرا جسد میرا پوسیده
و نام آن که بآن خط است بدوام آن خط
باقیست

آب مبدل شد درین جو چند بار
عکس ماء و عکس انجم برقرار

و الحاصل شکر گذاری را در بارگاه احدیت و صانع
قدیم تعالی بفعلیت باید بعمل بیاوریم تا آنکه حق
شکر گذاری را بعمل آورده باشیم و ملیت خودمان
و دین و شریعت خود ما را بفنا نرسانیم و مکارم برتری
داده بر اخلاق و واران خودمان یادگار بگذاریم
نه اینکه ایندها را که داریم آنرا هم از دست داده
در این زمان تری روز بروز نزل کرده نام خشک و خالی را
که از پدران ما برای ما مانده است آنها را بر باد کنیم
و مضاعف و بریشان گردیم

اگر وضع روزنامه مقتضی می شد اهل اهل مشرق

زین را که غالباً بدین باسلام متدین هستند
بمضامین عالیله از قرآن و حدیث قانع می توانستیم کرد
که راه اسلامیت حقیقه این نیست که
ما پیش سرقرنه ایم و شرائط اخوت و ملیت
و اتفاق و مال اندیشی چنان نیست که مالد بشیده
ایم

راستی رقابت ماها با هم دیگر بدرجه بسیار اسفنا می
رسیده و همه سخن تنها خود را راضی و قانع کرده ایم
سهل است که عزت خود ما را در ذلت هم ملتان
و همدینان خودمان تصور میکنیم و اهانت
بدیگر از ارامیه فخر و مباهات خودمان میدانیم !

و الحاصل عموم ملت و هم چنان را دعوت باید کرد
که درین کار دقتی بکار برند و اطراف کار را
به بینند و به بلندی فطرت خیالات و اذهان خودشان را
در رقابت بصافی و پاکی در مقاصد حسن استعمال
نمایند و نیکبهارا از هم دیگر بیاموزند و بدیهارا
اساساً از میان بردارند و هنر و صنایع و علوم و آداب
حسنه را از هر جا و در نزد هر کس است پیدا کرده
اخذ کنند و ملیت خودشان را بعد از کینه و ناخوان
شدن تازه و توانا نمایند و بروقی و قوت آن
بفرمایند

(خبرهای تلگرافی)

(ممالک عثمانیه)

(مملکتین)

بکرس ۱۰ مارس

در شورای ملت تکلیفی کرده شد که امارت یک استقراض
موفقی در دوازده میلیون فرانک قرار بدهد این
تکلیف از جانب مجلس قبول نشده رد کردند

فرانسه

پارس ۱۰ مارس

(کازت دیوبلیک فرانسه) و کازت (دیوبلیک)
بعضی مقاله ها منتشر کرده بودند بدین جهت قیادت
اسلام در پورس تزلزل کرد مدبر بانک بلجیک
بقدر شش میلیون فرانک از مال بانک تفریط کرده
است

انگلش

لندن ۱۰ مارس

اسهام عمومی هجده غروش و هفت پاره و نیم است (روزها)

اخبار داخلی

در خصوص جنکی که در میان عساگردولتی و اهل شورش تازه کی اتفاق افتاده است بعضی خبرها منتشر شده و کازت بصیرت این شایعه را از روی اطلاعاتی که گویا از اداره بهیه مطبوعات حاصل کرده است و بموجب تلکرافهای جناب اجدختار پاشا و شهید را کوزه و غیره تکذیب کرده و میگوید سعادتماب سلیم پاشا آذوقه بموقع (بیوه) برده بوده است در مراجعت باهل شورش که در تبه های قاجقه جمع شده بودند برخورد و آنها را نارواری و تنهیم کرده اند و در برکتش عورا و دیچه هم یک فرقه دیگر رسیده آنها را هم پریشان نموده اند از عاصیان خیلی تلف شده است اراجیف که میگویند اهل شورش غلبه کرده اند بی اصل است .

این تفصیل را بصیرت بعنوان رسمی می نویسد ولی چون از اداره بهیه مطبوعات با اداره اخیتر در این باب اطلاعی داده نشده است لهذا ما نمیتوانیم بعنوان رسمی درج کنیم و از اداره خواهش داریم که در اعطای اطلاعات رسمی فراری بدهند که افراط و تفریط نشود و هر چه فرستاده میشود بداره اخیتر فرستاده شود و الا اخیتر معذور از اعلان آن خواهد بود .

جریده حوادث و بعضی روزنامه های داخلی اسلامبول میگویند .

کازت (اژانس تلکرافیک روس) در خصوص مسئله شرقی می نویسد که بعضی اخبار در خصوص تغییراتی پولنیک دول معظمه و اتفاق کدر اصلاح سال هر سگ دارند منتشر شده و میگویند دولت روسیه و تریش جدا گانه تدبیری در این باب بکار خواهند برد ما یعنی (کازت اژانس مذکور) باتفاق کازت رسمی وین این خبرها را تکذیب کرده میگویم اتفاقی که در میان شش دولت در این مسئله شده است تغییر پذیر نتواند شد .

مطالعه

اژانس تلکرافیک روس خوب میگوید لکن دلائل این سخن را بیان نمیکند . راست است اعتقاد اکثر پولنیک دانان این است که در این مسئله دولت روسیه و تریش جدا گانه اتفاقی ندارند و نمی توانند هم داشته باشند بلکه میتوان گفت اگر در معنی وجهات منافع اخلاف هم داشته باشند . اکنون را علی الفلأهر در قهر لایحه و تدبیر اصلاحی که در میان است متفق القول هستند . لکن این یکی تنها برای امتناع تغییر نیافتن پولنیک عمومی کافی نیست . و تشیقات و اقدامات دولتهام که می بینیم و در کازتهای نویسیم همه چیزهایی است که صورت صحیح است . و آنچه دیده می شود بهمانطور باید نگاشته شود . و مع ذلک این سخنرا تا بروز نتیجه و ظهور اثر باور نمی توان کرد و تا اهل عاصیان از دراستیان نیامده حال اختلال را ترك نکنند چگونه

میشود بسخن (اژانس روس) اعتقاد نمود و با مال کازت رسمی وین را کافی دانست . در هر حال دولت علیه عثمانیه بلکه دولت تریش هم در این موقع حاینر وساعت آخر با وجود اتفاق عمومی دول معظمه . و اقداماتی که از هر طرف در اطفا ناره اختلال می شود . باید با کمال آگاهی و احتیاط آماده باشند که تنها سخن اختلال و عاصیان را از میان بر نیندازد و تا ترس و واهمه نداشته باشند نه حرکت و مفیدین با سانی دست بر میدارند . و نه چهل و نادانان که در میان عاصیان هستند خود بخود آمده عرض اطاعت و انقیاد می کنند . حال آنکه کار در دست روسا و محرکین است . خلاصه روایت سخن از کازتهای در این موارد را تنها اسکاات حالات اشخاص را تواند کرد لکن این اسکاات را بشوائب اغفال هم نباید مشوب داشت .

از بغداد تلکرافاتی مورخ به نهم ماه مارس رسیده است که در آن سامان ناخوشی طاعون بروز کرده است . اگر چه چندان شت ندارد و باعث وحشت نمیتواند شد لکن در حله روزی چند نفر از این ناخوشی تلف می شوند و در یک روز یکصد نفر داشت هفت نفر بطاعون مبتلا شده اند . (جریده حوادث)

در خصوص حریق که در ارض روم اتفاق افتاده است روزنامه های اسلامبول و یک اوغلی تفصیلی نوشته اند . موافق خبر صحیح که از اخبار ایران رسیده است این آتش در شب ۲۳ ماه محرم ۱۲۹۳ در خان حاجیلار بظه و پوسسته و همه سرای مذکور سوخته است . چهار دکان شال فروشی از اهل ایران یکجا سوخت و شش نفر از دیگر ملل در آن آتش سوختند که سه روز بعد جتنه های آنها را از زیر خاک بیرون آورده اند و چند نفر هم سوخته و نیمه جان بوده اند باهل ایران ضرر زیاد رسیده است .

شب سه شنبه گذشته در (با نقه آلتی) یک طائفه دزدی که عبارت از بیست و پنج نفر بوده اند بخانه بقال رفته و در خانه را با تبر شکسته و هشت نفر که روی خودشان رنگ سیاه رنگ کرده بودند داخل خانه شده و هر چه بدستشان آمده برده اند . و در این مدت که اینها در خانه بوده اند رفیقان دیگر در خانه و اطراف را می پاید اند .

شب چهارشنبه گذشته ساعت فروشی در یک اوغلی دکان خود را بسته بفهوه خانه رفته است . در آن بین دزد آمده دکان را باز کرده و هر چه ساعت و غیره بوده است همه را برداشته است .

در مقدمه دو خواهر از خانواده کامالیک که در یک اوغلی بقتل رسیده بودند اورا مال نام نیز در جره اشخاصی که منهم بدخله در قهر قتل بوده است چندی مبتلا و گرفتار بود . بعد از تحقیقاتی مقصیر بودن او را باین معلوم شده ضامنی از او گرفته و مرخص کرده اند .

(مسیو هموند و اخبار نویس تائمن)
(در اسلامبول)

به منشی اول کازت اسلامبول .

مسیو

در ضمن مقاله در روزی خودتان که در خصوص مأموریت مسیو هموند منتشر کرده اید بعضی سخنها از قول مسیو هموند در حق من ترجمه نموده بودید . امیدوارم مرا مأذون میدارید که در این باب جواب بدهم .

مسیو هموند در خصوص تلکرافهایی که من از اینجا درباره مأموریت او کشیده ام شکایت میکند . از روزی که من در اینجا هستم دو تلکراف خواستم بنویسم ولی از جانب اداره تلکراف قبول نشد و بدین جهت آنها هم بکازت تائمن رسید . و در ضمن تلکرافهایی که از اوده رسیده بودم نه یک کله در حق مسیو هموند و نه در باب مأموریت او در اسلامبول نوشتم .

مسیو هموند میگوید من اخبار را از قهوه خانه ها و از سالونهای یلارد و با از قهوه خانه یک سفر جمع آوری می کنم . من جواب میدهم از مدتی که در اینجا هستم نه بفهوه خانه و نه بسالون یلارد و نه قهوه خانه یک سفر رفته ام حتی در کلوب تجارتی اسلامبول رفتم . باینکه مرا باعضائی قبول کردند .

مسیو هموند میگوید خبرهای من مبتنی بر فرض و دشمنی در حق دولت علیه عثمانیه است . جواب من اینست که اظهار محبت در حق کسی کردن بچند قسم می شود . و از جمله آنها مزاج کوپی و مدافعت است . و یکی هم راست کوپی و حقیقت کوپی است .

من اینجا هر چه می نویسم اداره مطبوعات مداخله در آن ندارد و بحکم آزادی مطبوعات انگلیس مینویسم . اگر حکومت تصور نماید که من این آزادی را غلط استعمال می کنم ممنون خواهم شد که بمن امر نماید از اینجا بروم .

مسیو هموند مرا بیل و کجرات نامیده و میگوید من انگلیس نیستم . جوآغردی و شجاعت این نیست که از چند هزار کیلومتر راه کسی را این نسبتها داده شود . اگر همه هم شهرهای مسیو هموند مانند او بوده باشند اعتقاد میکنم انگلیس شدن اسباب شان و وفقرت بزرگی نیست . کازت و ادیس خود مرا بشما فرستاده و خواهش میکنم این کاغذ را در ضمن کازت خودتان منتشر نمائید . فی ۷ مارس ۱۷۸۶ (امضا)

(اخبار نویس تائمن در یک اوغلی)

کازت (اکیچی) که در باد کوبه قفقاز به زبان ترکی آذربایجانی طبع می شود و بعضی چیزها نوشته است که نوشتن آنها در این کازت نامناسب نیست .

جاعت ارمنها که در شهر قبه هستند در خصوص گذران خودشان اوقات خودشانرا با این عمرهای کم بقدر امکان صرف می کنند بکارهایی که لازم

است و بقرا و مساکین خودشان هم کمک کرده در تحصیل علم و ادب میگویند که در میان ملت های دیگر سرافکنده نشده و مسخره آنها نشوند .

از آنجمله در قریه کلسور یک مکتب بنا کرده اند و معلی آورده اند که امافسال خودشانرا زبان ارمنی و روسی یاد بدهند بجهت اینکه در میان مسلمانان هستند زبان خودشانرا هم درست نمیدانند . حال دفتی گرفته اند و مبلغی جمع آوری میکنند که هم آن مکتب را بنا کنند و هم کلیسای ده را تعمیر نمایند . بغیر از این در ۲۶ ماه دکان بر اول ماه ژانویه دوبار تیار دادند و مبلغی پول جمع کردند . اما مسلمانان ما که در خیال علم و ادب نیستند سهل است . محبت برادری نیز در میان آنها نیست . حتی در رعایت فقرای آنها جناب نجاشیک پول جمع کرده و با آنها تقسیم میکنند .

در پتر بورخ یک کتابخانه دولتی هست که در هر سال هشتاد هزار منات خرج آن کتابخانه است . در آن کتابخانه نهصد هزار جلد کتاب با همه و چاپی هست و سی هزار جلد کتابهای خطی و هفتاد و پنج هزار صورت کتاب هست کتابهای قیمتی را در پریشانه نگه میدارند که کسی بآنها دست نزند . و از آنجمله یک جلد قرآن مجید است که جلد آن طلاست و قیمت آن سی و سه هزار منات است .

کتابخانه مذکور هر روز صبح از ساعت ده روز تا هشتام باز است . و هر کس بخواهد بدون عوض و مصرف آن کتابها را و روزنامه ها که در آنجا هست مطالعه میکند هر قسم کتاب و روزنامه را که بپرزبانی چاپ شده است در آنجا میتوان پیدا کرد اگر کسی یک کتابی را پیدا کند میتواند بگوید که تا به قهقه حاضر نمایند و بدند مطالعه نماید .

روزهای یکشنبه هر کسی می تواند همه جای کتابخانه را بگردد و تماشا بکند در آنجا دفتی هست که هر آدم بزرگ و معتبری که با بجامرود امضای خود را بدستخط خود در آنجا می نویسد . اعلحضرت اقدس ناصرالدین شاه هم آن دفترا امضا فرموده اند .

از طاشکند مینویسند عبدالرحمان او داباشی پشاه کی در شهر آجید برای غزا و جهاد ده هزار نفر لشکر جمع آوری کرده است لکن میگویند عسکر روس که در مانغان بوده است آنها را پراکنده کرده اند

در پتر بورخ شخص شنبلیس نام یک میلیون منات داده است که یک مکتبخانه نقاشی با آن بنا کنند .

در تقلیس از جانب حکومت مجلسی بنا کرده اند که قاعده های آبیاری زراعتها را که بغورهای مختلف در میان مردم بوده است همه را برهم زده قاعده عادلانه بگذارند که براسی آب در میان مردم قسمت کرده شود .

در تقلیس ارمنها و کریمها بزبانهای خود شان تیار داشتند لکن عملی برای این کار مخصوصاً

نداشتند . حال می کنند که تیارخانه باز ده روز نیست که شدت برف و سرما است .

یک سال پیش صندوق (سوکیا سوف) از پول پادشاهی را خیر بود بدین جهت او در سیزدهم همین اوشخص شد ارمنی و از روی سیاه مبلغ (سود) دادند و داشته و خود شراب ماباشند بجهت همین

در یاد کو به چند سال بقدر سیصد تومان و گذشته ۱۶۹۵۹ بود بخاک ایران رفته و روسیه خرج شده حساب و تخمین کرده است قایل می شود و این از جوهر باقی میماند .

در کازتهای نویسنده خیلی ساخته کاری می که لهذا دولت بنادارده یسازد .

(اخباری است که از

از جانب اعلحضرت دست مرصع بجزال است که خوقند رافض کرده

مسیو (قون) که بوده است و به پتر بورخ تفصیل اطلاع حاصل نموده بوده بفرار

همه شاهای خراب و واهل را نقبتش نمودم

که ناصرالدین خان از میکرفت . خان موی سه ملیون منات در یاد

نبودند این مبلغ را با سانی ممکن نیست در یک حال خان موی البیه کی شهر و آنهایی که در جاد مردم منازعه موجود است

خاک خوقند خیلی مبتی و بستنهای خوب میتی

نداشتند . حال بموجب دفتر پول جمع آوری میکنند که تپا تر خانه بنا کنند .

باز ده روز داشت که راه پو ستهای روسیه بجهت شدت برف و سرما بسته شده و نو شها تر سیده است .

يك سال پیش صندوقدار سودینی یاد کویه (سوکیا سوف) ارمی بقدر هزار و هشتصد منات پول پادشاهی را خیانت کرده و خرج نموده بود بدین جهت او را بزندان گذاشته بودند در سبز دهم همین ماه کاتون ثانی که حساب او مشخص شد ارمینهای یاد کویه دفتر کشوده و از روی سیاه مبلغ مذکور فوق را جمع کرده به (سود) دادند و سود او را از خدمت معاف داشته و خود شرا مرخص کرد . اگر مسلمانان بآب باشند بجهت همینان کاری پنج قاپک کسی نمیدهد .

در یاد کویه چند سال پیش از این از معدن نفت بقدر سیصد تومان وصول میشده است . ولی سال گذشته ۱۶۹۵۹ پو ط جوهر (گاز) نفت بخاک ایران رفته و ۱۳۱۹۷۶۶ پو ط در ممالک روسیه خرج شده و طری را از قرار پنجاه قاپک حساب و تخمین کرده اند ۶۶۸۳۶۳ منات و ۵۰ قاپک می شود و این سوای قیمت دردی است که از جوهر باقی میماند .

در کارتهای نویسنده در پو لهای کاغذی روسیه خیلی ساخته کاری می کنند و مشوش شده است . لهذا دولت بنادار دهم کاغذ را بطور دیگر از نو بسازد .

(آنگهی)

(اخباری است که از کارتهای روسیه نقل میشود)

از جانب اعلیحضرت امپراتور روسیه يك قبضه شمشیر دست مرصع بمیزال اسکو بل سر کرده قشون روسیه که خوقند راقح کرده اعطاشده است .

مسیو (قون) که ماورا در صفحات خوقند بوده است و به پتر بورخ آمده در مجلس جغرافی پتر بورخ تفصیل اطلاعات خود را که در خوقند حاصل نموده بوده بقرار ذیل بیان کرده است .

همه شاهای خراب و قدیم رادیده . و حالت ممالک و اهالی را تغشش نمود . سبب شورش این است که ناصر الدین خان از اهالی مالیات سگین و بی اندازه میگرفت . خان مومی الیه از اهالی سالیانه مبلغ سه ملیون منات دریافت میکرد . و اهالی مقید نبودند این مبلغ را باستانی بدهند حالت ممالک خوقند ممکن نیست در يك حال دائمی بماند . چون از حالت خان مومی الیه کسی مطمئن نیست و در میان اهالی شهر و آلهائی که در چادرها سکتا دارند همیشه اسباب منازعه موجود است .

خاک خوقند خیلی منبت و حاصل خیز است و باغ و بستانهای خوب میتوان بمل بساید اگر پنچیک

اهالی مایل بزراعت و کاسی باشند . در خوقند ابریشم و پنبه و همه جنس حبوبات خوب بمل می آید اکثر اهالی که در ساحل چپ نهر چیعون ساکن هستند عشار و قباثل چادر نشین میباشند در میان اهالی ساحل راست چادر نشین بسیار کم است .

جنس اهالی خوقند ترکی است ولی در میان ایشان از طوائف یهودی و ارتود و چکانه (باصطلاح آذربایجان قریچی نامیده شوند) هستند)

مقدار اهالی که خانه نشین هستند بقدر یکصد و سی و دو هزار خانه است و قبائل چادر نشین بقدر شصت هزار (کتی) (۱) می شود .

مقدار سکنه شهر خوقند ده هزار نفر است بکصد و بیست مکتب و بقدر دو هزار دکان و انبار و مساجد زیاد دارند .

در خوقند از هر چیزی مالیات میکنند حتی از آب هم توجه گرفته می شود . این سکنی و بسیاری مالیات باعث شده که تاجار اهل مملکت در وقت حکومت خدا یارخان شورش کنند و در آن اوقات حکومت خوقند بشانزده ولایت منقسم بود و الیها همه از خوشنودان و منسوبان خدا یارخان بودند خوقند معادن زیاد دارد ولی از آن معادن کمی فائده و منفعتی بر نمیدارد . و کار و صنعت و هنر خیلی عقب مانده است .

(از انس جنرال روس)

کازت (غولوس) که در پتر بورخ چاپ می شود در خصوص خوقند می نویسد . مقصود دولت روسیه درباره خوقند این بود که تجارت و صنایع را ترقی بدهد و اهالی هسایه را از شورش و اختلال فارغ سازد .

از سال ۱۸۶۶ میلادی تا این اوقات حدود حکومت خوقند که بموجب عهدنامه که با خدا یارخان بسته شده بود محافظت کرده شد .

خیوه و بخارا هم مقصود دولت روسیه را فهمیده اند که بجز آسایش و امنیت در نظر ندارد . تنها طائفه راهزن (قبیای) روسیه را مجبور کرد که این امارت را با عسکر خود ضبط کنند .

و بعد از آن اهالی خواهش کردند که تبعه دولت روسیه بشوند . بعلت اینکه بعد از جنگهای داخلی که در مدت هشتاد سال با هم دیگر داشتند آسوده کی حاصل نکرده بودند و اهالی سر کرده های خود شازرا بچنگ وای داشتند بامدیائیکه از جانب روسیه مغلوب بشوند و دولت روسیه غالب شده و بایشان حکومت بکند .

معلوم است که دولت روسیه با خدا یارخان جنگ نکرد ولی خدا یار خارا معاونت کرد و از مړ خلاص نمود ناصر الدین خان که بعد از وفات پدرش حاکم خوقند

شد نتوانست اسباب آسایش مردم را حاصل کند سر کرده های اهل اختلال عبدالرحمن اوده باشی و عیسی اولیا و خلیل ناصر بودند از این سر کرده ها عبدالحج مردجور و درست است دروغ نمی گوید مزاج کوبی و مداهنه نمی کنند .

مومی الیه همیشه دشمن روسیه بود ولی حالا فقهیده است که اشتباه کرده بوده است و قبیله اهالی خوقند او را گرفته باهالی روسیه تسلیم کردند گفت . بعد از آنکه تسلیم شدم و قشون (پولاد) شکست هم خوردند اهل خوقند خوشحال شده و اظهار امتنان و مسرت نموده بودند که بعد از این در زراداره امپراتور سفید خواهیم بود .

این حرف عبدالرحمن ثابت میکند که اهالی خوقند طالب این بوده اند که در زیر اداره دولت روسیه بمانند . در این صورت ما هم باید آرزوی اهل خوقند را قبول نمائیم . رد خواهش ایشان مخالف شرایط انسانیست و هم تنافی با احکام مدنیست .

پولیتیک ما در آسیای وسطی باید پولیتیک آسایش باشد که تجارت روسیه در آنجاها بتواند ترقی بکند . و از این مجبور هستیم که آرزوی اهالی خوقند را قبول و اجرا نمائیم .

خط حدود خوقند و روسیه چند هزار کیلومتر طول دارد چه طور میتوانیم آن حدود را محافظه نمائیم ؟ خاک خوقند که هزار و پانصد میل مربع است از چهار طرف با خاک روسیه هم حدود است چون خود اهالی خوقند میخواهند در زیر اداره ما باشند قبول کردن ایشان پولیتیک ما متناقض ندارد بل موافق است بدستورالعملی که در سال (۱۸۶۵) از جانب وزارت خارجه و الیکری ترکستان داده شد . که در آن دستورالعمل چنان نوشته شده است . نباید تصرفات خود ما را در آسیای وسطی زیاد کنیم نباید بعض تدابیر لازم را هم بتأخیر انداخت و کلیه باید در منافع روسیه دقت کرد .

غالبه که در سال گذشته در خوقند ظهور کرد جنرال قاوفا و والی ترکستان را داشت بر اینکه یکی از آن تدابیر که در منافع روسیه بود بکار برد جنرال قاوفا و این تدبیرا بعمل آورد و بدین جهت اکنسون در آنجا آسایش حاصل کرد ولی اگر عسا کر روسیه از آنجا برود باز اختلال ظاهر خواهد شد و عسا کر روسیه دوباره مجبور خواهد شد که اسباب آسوده کی و امنیت را فراهم بیاورد افکار ما (یعنی افکار غارت غولوت) این است که دولت روسیه باید حکومت خوقند را بیک حکومت روسیه عوض کند و حدود خود را تا بکاشغر ببرد بعلت اینکه حدود کاشغر حدود طبیعی دولت روسیه است بیابانهای (اقلان اصف) که در آنجا است و ارتفاع آنها از سطح دریاست هزار ذرع است باید حدود کاشغر و روسیه باشند .

بالجمله اهالی خوقند بعد از جنگهای طولانی داخلی نتوانستند آسودگی حاصل کنند . تنها در زیر حکومت روسیه خوشبخت و خوشنود توانستند . اهالی آنجاها اکنون ما را راهبندگان خودشان میدانند .

کازت (هرولد) که در پتر بورخ بزبان المان چاپ می شود در این خصوص می نویسد .

بجز از ضبط خوقند از جانب عسا کر روسیه آسایش در آنجاها ممکن نیست . انانیت و مدنیست و حقوق ملل این را تصدیق می کنند حکومت ناصر الدین خان دیگر در خوقند ممکن نیست . خان مومی الیه مقدر نیست که اهالی خود را باطاعت بساورد اگر دولت روسیه پول و قشون ناصر الدین خارا امداد نکند مومی الیه قربان يك اختلال خواهد شد ولی دولت روسیه خیلی پول صرف کرد که هیچ منفعتی هم از آن بر نداشت پس چرا باید دولت روسیه باز پول خرج کند و در حدود خوقند قلمه ها بسازد و قشون محافظه علی الدوام در آنجاها بگذارد که تبعه و تاجار خود را از جهت مال و جان آسوده کی و ایمن بخشد .

دولت روسیه باید حکومت خوقند را بیک خود صلاوه نماید . اگر این طور کرد دولت روسیه هم مدنیست و هم انانیت خدمت بزرگ کرده است .

(ایران)

نظامنامه پوست خانه ایران بطوریکه در ضمن غره های پیش اختر نوشته شده بود بموقع اجرا آورده شده . و موافق قرار داد تازه پوستهارا بکار انداخته اند . و با این پوست کاغذهایی که باداره اختر رسید اول کاغذ بود که با پولهای شیر و خورشید دار بانجا آمد . امید داریم بعد از این امر پوست خیلی منتظم شده و پوست خانهای سمت ارض روم و قفقاز هم بموجب مقابله نلهای مخصوصه قرار با هم دیگر یعنی با پوست خانه ایران بگذارند . که نوشتهجات و امانات بسهولت و برودی از طرفین برسد . که هم اسباب تسهیل امر تجارت گردد . و هم اخبار و اطلاعات اهالی این ممالک بهم دیگر بدون صعوبت برسد . و باعث زیاد شدن مناسبات و روابط گردد . زیرا که افزون بر این مناسبات و مراومه ها برای اهالی شرقیه ازلازمترین کارها است . و فوائد بسیاری در بن ضمن هست که بر صاحبان آگاهی پوشیده نیست .

در ضمن کازتهای قفقازیه اعلان کرده اند که در اول خاک ایران که سرحد جلفا است يك پوست خانه از جانب دولت ایران بنا شده است هر کس میخواهد وجه نقد و امانات و نوشتهجات بواسطه پوست خانه مذکور بهم جای ایران می تواند بفرستد . و بعضی شروط و احکام آنرا نیز اجالا در آن اعلان مندرج کرده اند که تفصیل آنرا سابقا در ضمن نسخههای اخیر هم نوشته ایم .

آیا ممکن است که در سمت ارض روم هم پوست خانه منظمی باشد و کاغذها و امانات بلا تأخیر تا قبل دیزج رفته و از آنجا بواسطه پوست ایران برود و به همین طور نوشتهجات و مانتند آن از ایران بانجا برسد .

از مقاله کیمیای زراعت

حالا موضوع مباحثه تنها کار خالص مولد الماء نیست بل مولد الماء است که با هم مرکب و امتزاج کرده است که نام آنرا مولد الماء فعی گویند.

این کار از چه چیز حاصل می شود ؟ از ضایع و خراب شدن بعضی ماده های نباتی در میان آب بعمل می آید. و خواص آن هم با خواص مولد الماء چندان فرقی ندارد. و چون بعینه آن کاری است که بواسطه حاصل کربنی حاصل می شود. لهذا در آن خصوص هر حکمی هست در این یکی هم خواهد نمود.

در این صورت که آب مرکب از مولد الماء و مولد الماء است حالا میتوانیم کیفیت آنچه که در دکان آهنگر دیدیم بیان نماییم.

کلیه آهن که سرخ شده است. با آب که تماس کرد ترکیب آن مولد الماء فعی می شود که باعث زود سوختن زغال می گردد. و یک جزو آن هم مولد الماء مبدل گردد که مولد الماء نیز یک جسمی است.

که فوق العاده و با آسانی قابل سوختن است مولد الماء حالا باید درست به هم و اطلاعات خود را بدرجه مطلوبه برسانیم. مولد الماء رنگ و بو ندارد. ووزن از همه جسمهای که شناخته ایم سبک تر است. یک آن مولد الماء در وزن یک دسکرام است (یعنی سی و یک درهم و نیم) حال آنکه یک آن هوا سی و یک سیزده دسکرام سبکی دارد. و همین جهت یعنی بعلمت سبک بودن وزن مولد الماء است که برای برگردن فضای بالونها آنرا بکار می برند.

اگر یک شمع روشن شده را میان مولد الماء ببریم خاموش می شود حال آنکه مولد الماء در جایی که با هوا تماس میکند خود بخود می سوزد. اگر در میان کاسه که در آن مولد الماء است. جاتور را بگذاریم جاتور هلاک می شود. حالا این دو نتیجه باید تعمیم داده شود. یعنی باید فراموش نکرد که بجز مولد الماء و هوای نسبی در میان هیچکدام از گازها نفس کشیدن ممکن نباشد بود.

چون مولد الماء بسوزد با مولد الماء ترکیب حاصل کند. و از این احتراق و مرکب شدن آب حاصل می شود. پس برای پیدا کردن یک قدری آب مقدار زیادی از مولد الماء و مولد الماء فعی آمیخته کنیم که بموجب عده های ذیل حکم این مطلب معلوم خواهد گردید.

اگر یک آب را بدو عنصر او تقسیم کنیم (۱۱۱۰) لغو مولد الماء و (۵۵۵) لستره مولد الماء فعی بعمل آید که جمعا (۱۶۶۵) اجزای کار دار حاصل می شود.

(باز هست)

بورسه

غسله	۲۸	شباط رومی
اسهام عمومی	۱۹	۲۰
استراض	۱۸۶۳	۱۲۴
»	۱۸۶۵	۱۲۵
»	۱۸۶۹	۱۱۲
»	۱۸۷۲	۳۴
»	۱۸۷۳	۱۰۸
فرائق	۵۱	۲۵
سنداد راه آهن روم ایل	۵۱	۲۵
سوسنه جزال	۳	۱۵
شرکت عثمانیه	۲	۳۰
اعتبار عمومی	۳	۲۵
تراموای	۱	۴۵

کیال	فروش
لندن ۳ ماهه بهر لیرای انگلیس	۱۱۱
باریس فرانک ۲۲ سالتیم	۷۰

فیات مسکوکات لیرای عثمانی	اقرار صد فروش
فروش	بار
لیرای انگلیس	۱۱۱
لیرای فرانسه	۸۸
امپریال	۹۰
کرمیچ	۵۱
روبل (منات) قمره	۱۶
منات کاغذی	۱۴
مجیدیه	۱۰۲
بشاک	۱۰۵
منالک	۱۰۶
پول سیاه	۱۳۸

طاهر

اعلانات

مسووم دیوسفوریدس نام طبیب در بالای اوزون چارسو در نزدیکی خان اکتهبی در اجزاخانه ارکول تومر (۳۲۳) روزهای شنبه و چهارشنبه از ساعت پنج الی هفت برای مداوی و معالجه ناخوشهائی که رجوع کنند حاضر است. و بجای آنها را قبول خواهد کرد.

طبیب مومی الیه منعه می شود. که همه اقسام ناخوشی بواسطه برابری و بتدبیر و تدای حکیمانه معالجه نماید. و همچنین در ناخوشی معده نیز مهارت تمام خود را ابراز خواهد کرد. و بجهت مرضهای مزوره حی اختراع و ترتیب کرده است. که محل فروش آنها اجزاخانه مذکور فوق است. و دستور العمل استعمال آنها در ورقه مخصوصه چاپ شده در جوف قوطیهای آنهاست. قیمت

یک قوطی نیم مجیدیه است. در هر کدام از آن ورقه ها و قوطیها امضای طبیب مومی الیه نباشد ساخته و قلب است بهمین جهت دقت لازم دارد. ش. د. پ

مریته دوازده بند جناب سعادت مآب کانظم پاشا مبرلوا از اعضای دارشورای صکری که بجهت تعزیه داران خامس آل عابد کربلا روحی له الفدا و علیه التحیه و الثنا اثری است نوین و واسطه ایست برای تجدید آیین آوازه بانان قاصد غرای مدحیه در حق حضرت شاه ولایت انشاد فرموده اند اینروزها طبع شده و در دکان جلیل آغا در چنبری طاش و حاجی حسن آغا در باغچه قیوسی فروخته می شود.

(خرابات)

مشتمل با انواع قصاید و ترکیات و ترجعات و نسیبیات و قطعات و رباعیات و غزلیات و ابیات در چهار زبان یعنی ترکی و جغتایی و فارسی و عربی که کزیمه ادبی روم و شاعر مشهور و معلوم جناب ضیا یک افندی از آثار و جمع و اسلاف و معاصرین انتخاب در سه جلد درج کرده بود در دکان حاجی حسن افندی در چارسوی صحافان و در دکان حاجی حسن آغا تیا کو فروش در باغچه قیوسی هر جلدی بقیمت معین فروش میشود.

محل فروش اختر

دکان جلیل آغا کتاب فروش در چنبری طاش. دکان حاجی حسن آغا کتاب فروش در باغچه قیوسی. دکان تیا کو فروش در اقصای نزدیک بشل طولومه. مغازه کتاب فروشی بزرگ در زیر مسافرخانه عسکری. در دکان چای فروشی دم در خان والده.

کتاب مستطاب

(میزان الموازن فی امر الدین)

که در چند سال پیش از جانب یکی از ازمایرین سفارت سنیه ایران. در خصوص محاکمه ادیان مختلفه ورد برساله میزان الحق نام پروتستانی تألیف. و در مطبعه عامره طبع شده است. در مغازه کتاب فروشی در تحت مسافرخانه عسکری در یک مجیدیه سفید فروش میشود.

(مخاطره اورمان)

یاخود

(قلابرچید و دلی)

نام رساله تیارو بزبان ترکی از جانب ملتزم آن اغوب

افندی ماطوم میان طبع شده در بارقه سربل و جاهای دیگر فروخته می شود. رساله مذکوره در نهایت سلاست و شیایان مقاله نوشته شده. مری اخلاق و احوال انسانها تواند بود.

رساله بارقه ظفر دار بتبع اسلامبول. لید با آثار و صفای که اثر خاتمه یکی از ادبی مشهور است در دکان هر کتاب فروش از قرار سه غروش فروش میشود.

یک باب خانه در اسکدار در محله خوالدین در قاق قاطرجی در نمره ۱۶ فروش خواهد شد خانه مذکور در حرم و سلامتی چهارده اطاق و یک طویل و چهار چاه آب یکی شیرین و سه دیگر تلخ و بقدر هزار و هفتصد زر زمین بنا و بقیه دارد هر کس طالب باشد بمطبعه اختر مراجعت نماید.

هر گونه کتب و رسائل و اوراق چه بلیتو غراف و چه به بیوغراف یعنی باسمه و چاپی سنگی و حروفی در مطبعه (اختر) در کمال خوبی و امتیاز طبع و بقیمت و بهای مناسب و بطور مطلوب و موافق سلیقه تمام کرده میشود و همچنین هر گونه اوراق و اسناد و بنگه های مختلف و خطوط متنوعه و نیز رسمهای کراویر و قرون و کارت و زیت فارسی و ترکی و فرانسوی و دفاتر تجارت و هر نوع اوراق رسمیه که از جانب اداره های رسمی و دولتی امر و سیارش داده شود در نهایت امتیاز و خوبی طبع شده باعث خشنودی خواهشمندان سیار شاهی مذکور از هر جهت خواهد گردید. و سکه های لبطوغراف همه جور بزرگ و کوچک بقیمت مناسب بجهت فروش در اداره مطبعه موجود است.

کتاب کاستان افصح اشعرا شیخ سعدی شیرازی رجه اعلیه رجه واسعه کتابی است که در تمامی مشرق زمین در نزد عموم اهل لسان و اصحاب ذوق و فهم مسلم و معقول است و سزاوار بود که همچنان نسخه مطبوعه طبع بطور بسیار خوب و طرز مرغوب با نهمه شده یادگاری برای طالبان آن باشد و مدتی بود که این معنی در نظر بود ولی اسباب این مقصود حاضر نبود تا آنکه ده سال گذشته از اتفاقات حسنه عالیجناب معز آغا المللق بصاحب قلم که از مشاهیر خطاطان ایران است بدر سعادت تشریف آورده و بحسب خواهش دوستان قبول نمودند که نسخه مذکوره را بنویسند لهذا نسخه مذکوره در کمال نفاست و خوبی با نهمه شده بود و چون مقصود اصلی خدمتی بمعارف بود بعد از فروخته شدن مقدار کافی از آن از قیامش تنزل شده اکنون نسخه های آن در مغازه کتاب فروشی در زیر مسافرخانه عسکریه بایزید. و در اقصای قرب بشل طولومه در دکان تیا کو فروش و در دکانهای جلیل آغا در چنبری طاش و حسن آغا در باغچه قیوسی جلدی از قرار بیست غروش رایج فروش میشود.

مطبعه اداره خانه در خصوص است

کتابخانه برای درج کار شده و طبع نشود بصاحب

کتابخانه که اجرت پر است از جانب او

این گازت از

هفت مشک

ملکها و ملکها بمشکل شود. عقل و تدبیر و معموری و وسعت و بر ملازمان است و بدینک نباشد ملک آباد نشود خرد و هوش را اسباب و اطوار پیدا نکند.

خرد و تدبیر سرمایه است ملک و توانگری ملک و توانگری بفرایند سرمایه زیاده تر شود مرد روز بروز سود و توانگری بعلمت اینکه تا و منفعت به این نسبت در بسیاری است و با وجود عمومی و آشکاری آن نهایت غفلت از کارهای معارفی هر روز غایب مر رفته دست کار که بنظر می آید در است. اینکه آدمی دست و عمل و همت خود بمقام فضل و محرم میشود که بر آن کار بنایی هر کس کرده است کسالت و خودداری بخود و در نظرش هست دوستان با آن خانه خرج کند. و بنیان بالا آمد و کار بچشم کردید. بشوق و میل شده بولی را که با آن خواهش حقیقی و زیاده بر صرف نمایند حال آنکه که شخص منفعت ثروتی از پول و مالی از آن در نظر صاحبان صنعتها و حرفه مطلب را خوب میدانند